

ترسّل

یک نسخه خطی منشیانه از منشی خوبی

دکتر شهریار حسن زاده
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی

چکیده :

منشآت یک واژه عربی به معنی نوشته های دبیرانه است. در حقیقت فنّ و هنر نویسندگی است که در گذشته به آن ترسّل و امروزه به آن نامه نگاری می گویند. دامنه و دایره اشتمال واژه ترسّل بعنوان یک صنعت آن چنان فراخ و گسترده است که در تشکیلات اداری و دیوانی ارزش و اهمّیت فوق العاده داشته است. می توان گفت ترسّلات اعم از سلطانیات و یا اخوانیّات از جنبه های ادبی و زبان شناختی، فن کتابت و روش نویسندگی، اسناد و مکاتبات تاریخی از شاهکارهای ادبی هستند. هر چند نشانه های نویسندگی در ایران به ششصد سال قبل از میلاد مسیح در فرس هخامنشی نمایان می شود ولی تدوین منشآت فارسی از دوره غزنویان آغاز گردیده، در دوره سلجوقیان به کمال خود رسیده است. در دوره صفویان با فراتر رفتن از مرزهای ملّی

در کشورهای هند و آسیای صغیر جایگاه خود را محکم نموده ، در زمان قاجاریه نیز در فرمان ها، عقد نامه ها و مکاتیب به افراط گراییده است. شاید اگر کوشش های قائم مقام و امیر نظام گروسی و ... نمی بود این کار در حفظ اعتدال به نتیجه مطلوب نمی رسید. در این عرصه یکی از قلم فرسایان بزرگ میرزا مهدی بن محمد نصیر منشی مبرز دربار ناصر الدین شاه و محمد شاه قاجار است که در فن انشا و حسن خط نام آور بوده است. منشی خویی در نسخه خطی « ترسل » با پنج باب در گلشنی که با نظم و نثر در فن منشیانه آفریده است به رنگ و بویی دگر قریحه نفیس خود نشان داده است. پژوهش حاضر حاصل بررسی این نسخه ارزشمند است. لازم به ذکر است علامت اختصاری بکار رفته در متن (ت) نشانه نسخه خطی ترسل می باشد.

کلید واژه ها :

نسخه خطی ، ترسل ، منشی خویی ، قاجار ، آذربایجان

مقدمه :

« ترسّل » از فنون و هنر نویسندگی در ادوار نثر ادب فارسی است. این فنّ اهمیّت فوق العاده تاریخی ، ادبی ، اجتماعی و حکومتی داشته است و امروز هم از جایگاه والای آن کاسته نشده است. قدما معتقد بودند دبیر باید «کریم الاصل ، شریف العرض ، دقیق النظر ، عمیق الفکر و ثاقب رأی باشد و از ادب و ثمرات آن قسم اکبر و خط اوفر نصیب او رسیده باشد و از قیاسات منطقی بعید و بیگانه نباشد و مراتب ابناء زمانه شناسد و مقادیر اهل زمانه داند ...» (عروضی، ۱۳۷۶ : ۲۹) بر اساس این خصوصیات دبیری و منشی‌گری به عنوان یک شغل در دواوین و دربار پادشاهان و سلاطین مورد توجه قرار گرفته است و کسانی وارد این عرصه شده اند که جامع الاطراف در علوم بوده‌اند. آنان انسانهای هوشیار ، خردمند و خویشان دار بودند و مصالح حاکمیت ملی را با راستی و پاکی حفظ می‌کردند . می توان گفت با مهارتی که در طول سالیان کتابت و اُفت و خیز قدرت و سیاست بدست می آوردند محتشم‌ترین افراد به حساب می آمدند و بر همه مسائل وقوف داشتند.

سخن هرچه بایست با او براند

دبیر جهان دیده را پیش خواند

فردوسی

راهبرتر ز نامه های دبیر

نیست بر عقل میر هیچ دلیل

ناصر خسرو

آثار به جا مانده از دوره قاجاریان که یکی از دوره های با ارزش از نظر ترسل نگاری به حساب می آید اوج این فن و کتابت را نشان می دهد. فرمان ها ، عقد نامه و مکاتیب پادشاهان قاجاریه با منشیان خود و به تبع آن حاکمان منطقه ای در ولایات که در نسخ رخ می نمایند شکوه قلم و اندیشه آنان را نمایان می سازد . از این میان ترسل یک نسخه خطی از میرزا مهدی خان خوبی منشی گمنام دوره قاجاریه است.

معرفی منشی خوبی

میرزا مهدی خان منشی « از منشیان و شاعران توانای عصر قاجار و پسر میرزا محمد نصیر از اعیان خوی بود و در فن انشا و حسن خط و هنر شاعری چیره دستی داشت » (ریاحی ، ۱۳۷۲ : ۲۳۷) « وی از جهت فضل و کمال و ادب و خوش نویسی قرین و همتا نداشت و عارف منش و صوفی مسلک بود » (آقاسی ، ۱۳۴۹ : ۵۵۶) در نسخه خطی ترسل نام میرزا مهدی خان در لوح آغازین بعد از « هو الله تعالی شأنه العزیز » در داخل کادر نوشته شده است و در چند جای دیگر در حاشیه کتابت گردیده است. در باره زندگانی میرزا مهدی آنچه از تذکره ها و یاد نامه ها به دست می آید « فردی سرشناس در موطن خود و سایر بلاد ایران از جمله کرمانشاه ، اصفهان و تهران بوده است.

(ریاحی، ۱۳۷۲:۲۳۷) رضا قلی خان هدایت از وی بعنوان (خلف الصدق میرزا محمد نصیر مغفور یاد می کند والد ماجدش از اعظام آن ولایت یعنی خوی بوده است. «مجمع الفصحا، ج ۲: ص ۱۳۳۹) با کمال تأسف از زندگانی این نویسنده و شاعر آگاهی چندانی وجود ندارد. در تذکره ها و سایر از جمله: «الذریعه»، «دانشمندان آذربایجان»، «سخنوران آذربایجان»، «فرهنگ سخنوران»، «تاریخ خوی ریاحی» و «تاریخ خوی از آقاسی» اطلاعات کاملی بدست نمی آید. با این حال در لابلای اشعار نقل شده از وی، مطالبی در باره زندگی شخصی وی جلب توجه می کند مبنی براین که وی در جوانی همسر خود را از دست داده است.

این فلک از من ربود یار مرا	برد ز من یار غمگسار مرا
بود ز درد و غم حصار ولی	زیر و زبر کرد آن حصار مرا
بود کنارم از او چو باغ بهشت	خار نشانده است در کنار مرا

(ریاحی، ۱۳۷۲: ص ۲۳۸)

منشی خوئی چندان از این روزگار هم راضی نیست و با گله و شکایت از جهان آرزو دارد به سرای جاودان رود:

کی باشد رخت از این جهان بندم	تختی به سرای جاودان بندم
------------------------------	--------------------------

(همان: ۲۳۹)

وی از بخت خود ناراضی است و می گوید که بخت من هرگز با من نمی سازد :

بخت منی و با من هرگز دمی نسازی عمر منی و با من هرگز دمی نیایی
 گه ناز خواجه داری گاهی نیاز بنده یک روز سر فکنده یک روز سرگرایی
 (همان : ۲۴۱)

اشعار وی نشان می دهد در دوران پیری شوکت و دارایی اش فنا گشته
 و موقعیت و جایگاه خود را از دست داده است :

بویا بدم چو گل به شباب اندر پیری ببرد از این گل بویایی
 گویا بدم به هر لختی و اکنون پیری بیست منطق گویایی
 دارای عهد خویش بدم و اینک پیری شکست شوکت دارایی
 (تربیت ، ۱۳۷۳ : ۸۴۱)

این شدت و دست تنگی وی را و می دارد تا به صورت حسن طلب
 انتظار خود را از پادشاه طرح کند و در نهایت سادگی و حیا شاید به مقصود خود
 دست پیدا کند.

« بحمد الله امروز که مفاتیح افقال اهل جهان و مقالید بستگی های کافه
 عالمیان در پنجه اقتدار و قبضه اختیار آن خداوندگار است ولی :

اخلاص من از مرحمت تو گله دارد این مشت گل آخر چه قدر حوصله دارد
 (ت : ۱۲)

سمت و سوی اشعار وی که گویا برخاسته از متن زندگی اوست در
 قالب گزینی و ترکیب سازی یادآور سختی های زندگی مسعود سعد سلمان است
 که در همان حال و هوا ، سختی ها، دلتنگی ها و نا امیدیه ها موج می زند.
 ای داغ دل نگار مسکینم ای باغ و بهار و نسرينم

شاهین زمانه تیز چنگال است	من در کف این گرسنه شاهینم
بس بس فلکا نه رستم زالم	رو رو نه سپندیار روینم
—————	
کی باشد رخت از این جهان بندم	تختی به سرای جاودان بندم
سر منزل من حظیره قدس است	دل از چه به کهنه خاکدان بندم
	(تربیت ، ۱۳۷۳ : ۸۴۱)

میرزا مهدی خان وزیر و منشی مخصوص محمدعلی میرزا دولتشاه حاکم کرمانشاهان (فوت ۱۲۳۷) بود و مدنی نیز منشی‌گری منوچهر خان معتمد الدوله گرجی حاکم مقتدر اصفهان (در گذشته ۱۲۶۳) را بر عهده داشته است. « بعدها از منشیان مبرز ناصر الدین شاه و مدتی هم در دارالانشای محمدعلی قاجار خدمت کرده است. آقاسی می نویسد : « وی مرید قطب الاقطاب حاجی محمدحسین اصفهانی بوده است. » (آقاسی ۱۳۵۰ : ۵۵۶) « رضا قلی خان هدایت ذکر می کند منشی خوبی « خطی مشکین و طبعی متین ، کمالات صوری ، حشر و نشر با مشایخ ، صاحب اخلاق و مقامات و معارف و امتیاز فصاحت میرزا مهدی را سردبیر انشای شاهان قاجار کرده است » (هدایت ، ۱۳۳۹ : ۱۳۸۲)

« میرزا مهدی بیش از شصت سال زندگی کرده و در سال ۱۲۸۶ هـ . ق (به احتمال) فوت نموده است » (ریاحی ، ۱۳۷۲ : ۲۳۷)

ترسل منشی خویی :

در همه منابعی که ذکر آنها گذشت چهره شاعری منشی خویی بر سطور تاریخ سایه انداخته است و جایگاه منشی گری وی در حدّ اشاره مانده است. وجود یک نسخه خطی با عنوان « ترسل » پرده گمنامی از چهره این عالم دانشور را برخواهد انداخت و از نظر ادبی و زبان شناسی و همچنین جنبه های تاریخی و استناد به جلوه های منشی گری در زمره دیوانیات و اخوانیات گامی بزرگ در شناسایی فرهنگ ادبی ایرانی و آذربایجانی خواهد بود.

مرحوم ریاحی به نقل از « گنج شایگان » می نویسد : « منشی مردی است معمر و درست بیان و باهنر خاصه در فنّ انشا که مترسلی است چابک دست و پخته نویس و آنچه تاکنون نوشته و می نویسد همه زیباست و نفیس ، به طوری که هیچ یک از اهل عصر را این گونه استقلال در نوشتن نیست» (همان : ۲۳۷) از این جهت میرزا مهدی منشی خویی در خوشنویسی و نثر پردازی صاحب سبک بوده است . چنین به نظر می رسد در انشای دیوان محسود اقران نیز گردیده است . می توان گفت هنر قلمی و چهره ادبی منشی خویی در ترسل ماهیت حقیقی وی را نشان داده است.

ترسل منشی خویی تألیفی است منحصر به فرد که در مدرسه نمازی خوی وجود دارد . گویا تنها نسخه خطی است . این ترسل به خطی نستعلیق می باشد . رساله اوّل تا نسخ چهارم توسط کاتبی به نام محمد صالح بن آقا ابراهیم ۱۲۰۹ و رساله پنجم با قلم کاتب عباس بن مرتضی قلی بن مرحوم مهدی خان سوادکوهی از طوائف داوودیه مازندران و متخلص به عطارد که در شهر تبریز متوطن بوده است بنا به دستور محمد صالح خلف آقا ابراهیم در اواخر صفر

مظفر (سال کتابت ذکر نشده) کتابت شده است. فراغنامه کتاب عیناً چنین است: « تمام شد کتاب مجموعه موسوم به ترسل گلشنی است که در او انواع زواهر گل و ضیمران شکفته و بحریت که در او اقسام جواهر الوان نهفته ، در دارالسلطنه تبریز نشاط انگیز در کارخانه متعلق به حقیر فقیر عباس خلف مرحوم محمد شفیع تبریزی رحمه الله تعالی ». (ت : ۳۹)

قطع درونی ترسل ۱۲۰ × ۱۹۰ میلیمتر است . در هر صفحه کامل ۱۲ سطر نوشته شده است و عناوین هر موضوع در داخل کادر قرار گرفته ، از بخش دیگر متمایز گشته است . کتاب ترسل در یک مجموعه (۱- رساله در طب
۲- دعای ختم قرآن ۳- ایضاح کلمات القرآنیه ۴- تجوید قرآن
۵- منشات) به شماره ۶۰۸ در مدرس، نمازی خوی نگه داری می شود. این نسخه خطی ۵۰ برگ دارد . جلد کتاب مقوایی است و قطع آن ۱۱×۱۸ سانتیمتر می باشد (فهرست نسخ خطی نمازی ، صدرایی : ۳۲۲). سیزده جدول مختلف اوراق را از متن جدا کرده است ولی کتاب نقصی ندارد . در پایان هر برگ که گاه وارد جدولها نیز می شود راده دارد که مطابقت آن با ابتدای ورق بعدی کامل بودن نسخه را نشان می دهد.

آغاز ترسل :

شکر و سپاس فزون از وهم و قیاس خالقی را جلّ شأنه سزاست که در ایجاد موجودات بلا مشارکت چهره گشایی نموده ...

انجام ترسل :

کفش و چکمه و جوراب را زوج نویسد کلاه ، عمامه و امثال آنها را فرد نویسد. تمام شد کتاب مجموعه موسوم به ترسل. و نسخه دیگر هم که خیلی خوب و بسیار مرغوب عبارت از کتاب نصاب بوده باشد که لازم و ملزوم این مجموعه است هر دو در یک چاپ قابل و همه مایل و طالب می باشد ان شاء الله بعد از چندین روز به اتمام می رسد و با الله التوفیق. (البته از این نسخه فعلاً اثری موجود نمی باشد)

منشی خویی و سبک نگارش ترسل :

منشی خویی ترسل خود را با حمد خداوند آغاز می کند ، به نعت پیغمبر محمود و خلیفه بر حق و اولاد طاهریں می پردازد (ت:۱) سپس با بیان علت ترقیم و تفهیم کتاب که خود مجموعه ای در پنج باب (تعلیم و ترقیم قواعد، فرامین، مراسلات ، احکام شرعی ، خطوط دفتری و سایر خطوط) است دست به نیایش و مناجات بلند می کند : « بار خدایا، کریم ، کردگارا ، رحیما ، زهی خداوند توانا که ناتوان بنده را رتبت گیتی خدایی دادی و به کار خویش فرماندهی را قدرت فرمانروایی ، بی هیچ خدمتی جانم در قید اطاعت آوردی و بی هیچ طاعتی هر گونه نعمتم میسر کردی ... (ت:۲) بعد از این مناجات منشی خویی که برای ادای شکر پروردگار سپاسی نمی یابد مراسله ای را بعنوان حجّت آغاز می کند که این نامه در سر آغاز با شیوه مسجّع و نوین از نظر سجع پردازی

اتکا به جهان بینی فلسفی، عناوین و نعوت، همخوانی لفظ و معنی، فضا سازی و تصویر گرایی، اندیشه و قلم را در متن به هم گره زده است و صدای دلنشین واج آوایی از حروف و التزام کلمات را در موسیقایی سطور با لغزش کلک ذرافشانش به گوش نیوشانده است. « آفریننده‌ای که با همه جدایی و خلاف از تیرگی شب، صبح صادق را جلوه بروز داده و در امتراج آب و خاک و ازدواج آتش و باد که اضداد صوریند، با همه بیگانگی و دوری، قوت ترکیب حواس و قدرت ترتیب قیاس نهاده است. حکیمی که در پیکر آدم از دمی، صفوت روح نهاده و نوح را به جودی، خلعت نجات داده و دست رسالت را خاتم از نقش محبت او در انگشت و ختام نبوت را از مهر او مهر در پشت». (ت: ۳) در این ترسل قرینه سازی و سخن پردازی که هیچ گاه رشته کلام را از دست میرزا مهدی خارج نمی کند در اوج است و نشانه‌ای از قدرتمندی وی در منشی گری است: « ناظم کارخانه قضا و قدر و ناظر بی نظیر این هفت منظر رتق و فتق و امور جهانبانی و ضبط و ربط مهمام کشورگیری و گیتی ستانی را بر رأی جهان آرای نواب همایون ما گذاشته و نظام کارخانه عالم امکان و رونق افزای همه بیوتات معمول دین و دولت بد اختران را به ذات کامل اقدس ما حواله داشته » (ت: ۵) و « خداوندی را بنده‌ایم و کردکاری را پرستنده که گل از آن گل آورد و مهر از دل، آرایش بوستان از چهره گل‌های دهر و آسایش دوستان از مهر دلها » (ت: ۴) آشنایی کامل میرزا مهدی خان خویی به فنون ادبی که متناسب با جایگاه افراد، کلمات مورد نظر خود را ردیف چین سخن می کند با در نظر داشتن معانی لغوی و اصطلاحی الفاظ در کاربرد جنسیت و مقام و مرتبه به صورت روان و سلیس منظور خود را از منشات بدست می‌آورد یکی از ویژگی‌های

اوست : « عرصه هشت کمینه کنیز به خاک پای جواهر آسای علیا حضرت آسیه استوره ، هاجر مرتبت مریم مکرمت سارا سیرت صفورا صفوت دُرّه درج عصمت و زهره برج عفت ، عافله عدل پرور ، عادلّه عقل گستر بانوی حرم سلطنت نوای علیه عالیّه دامه عظمتها » (ت: ۱۰) و همینطور : « اعیان دولت قاهره که تراب آستان مروّت و خاک پای جواهر آسای مقدس را کحل الجواهر دیده امیدواری و افتخار سرمایه کف نیازمندی و اعتبار خود ساخته به موقف عاکفان کعبه حضور معدلت دستور بندگان ، قیصر پاسبان فریدون مکان ، حضرت سلیمان شوکت ، دارا حشمت ، سکندر عظمت ، مشتری طینت ، بهرام صولت ، خورشید خاصیت ، ستاره خدم ، مه علم ، انجم حشم مدّ ظلّه الاعلی می رساند » (ت : ۳۱-۳۲)

قرائن و شواهد نشان می دهد سجع یکی از ارکان آرایش کلام و قلم « ترسل » است که گاهی پیاپی و گاهی با قرینه بندی این هدف محقق شده است . موازنه ، ترصیع و اعنات قرینه هم از این قاعده در پیروی از این سبک نثر دیوانی جزء ابزارهای « منشی » به شمار می روند . « نافه نافه مشکوی که پرورده مشکوی صواب آید به گسترده صحرای خطا و دسته دسته گلی که بسته دست هوا باید نه خسته شست صبا نثار بهشتی جاودانه یعنی محفل سرور آن دستور یگانه و مجلس حضور آن مفخر زمانه عطر بخشای دماغ صدارت و گلشن آرای باغ وزارت آن وزیر اعظم باد که هر صباح نسیم سحری در مقدم مهر خاوری از توده ظلام مشک بیز و از اختران گل ریز است » (ت : ۱۵)

« ترسل » تحت تاثیر سبک نگارش منشات دیوانی قاجار، از تأثیر و کاربرد رایج مراعات النظیر بی بهره نیست بلکه تلاش نویسنده در آن بوده است

که با توجه به ظاهر الفاظ و آراستگی، هنر خود را در حد کمال به اوج رسانده که بدون تردید در آن شیوه موفق بوده است: «فروزنده اختر برج خدایت و درخشنده کوکب فلک عصمت و طهارت ثمر شجر تاجداری و گل و ریاض بختیاری را زمین عجز و خاکساری بوسیده به واقفان حضور عدالت گستر و به عاکفان مقیمان مرحمت پرور عرض حالی بنماید» (ت: ۱۰)

اقتباس از آیات قرآن و احادیث و عبارات و امثال عربی:

هنر و توانمندی منشی خوبی در نقل و اقتباس آیات و حتی سوره‌های قرآنی آن چنان استادانه است که به صورت فنی و زینتی در مراسلات او دیده می‌شود بطوری که نثر نگارش او را به شکل ملمّع در آورده است «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ الْقَدْرِ» گویان قدری درین رقعہ نظری گمارند و ما أدرائک ما لیلہ القدر اینک شب ماست لَيْلَةُ الْقَدْرِ اگرم دیده بر آن دیدار خجسته پیوند و خَيْرٌ مِنَ الْفِ شَهْرِ. چرا که در آن قدوم به میمنت لزوم تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا. و اگر تشریف قدوم را معذرتی نهند این بندگان را رخصتی دهند که باذن رَبِّهِمْ عزیمت خدمت ساحیه یک امشب را مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ در ملازمت آن حضرت قیام نمایم هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» (ت: ۱۵)

«همان به که ره تسلیم پوییم و همی گوئیم اَسْكَنَهُ اللهُ الْعَقُورَ فِي

دَارِ السَّرُورِ نه با وجود نشاط شادمان باشیم و نه با عدم رضا چهره از غم

خراشیم» (ت: ۱۵) «به مضمون آیه وافی لَا تَكْتُمُوهُ شَهَادَاتِكُمْ بِاللَّهِ دو کلمه شهادت خود را مزین فرمایند و هر آینه از عصیان کتمان شهادت مجتنب و محترز بوده که باعث اجر عظیم و موجب ثواب جزیل خواهد شد» (ت: ۲۶) «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ خلاصه تشبیب کلام ترتیب مراتب دینداری و دولتخواهی جناب قدسی نصاب حقایق و معارف انتساب عوارف و محامد اکتساب سلاله العظام فخر الحاج و المعتمرین مقرب الخاقان حاج میرزا علی اصغر شیخ الاسلام دارالسلطنه تبریز است» (ت: ۲۸)

نقل و تضمین اشعار

«درج و تضمین اشعار به طریق تتمیم و تکمیل معنی نیمه تمام عبارت نثر به صورتی که بدون قطع، دنباله معنی نثر را بیان کند و بی واسطه و فاصله لفظی که شعر را از نثر جدا کند به عبارت نثر می پیوندد که این تضمین از دشوارترین انواع آن است» (خطیبی، ۱۳۶۶: ۲۱۶) این نقل و تضمین در ترسل آنچه‌ان با معنی قرین و همراه گردیده است که شکوه توانمندی و تجربه نویسنده است.

دوستا مهربانا دهم شهر ذیحجه ابتدای امر خیر نور چشمی جواد است
الحق رونق این عیش منحصر به وجود شریف است.

«باده و مطرب و گل جمله مهیاست ولی عیش بی دوست مهیا نشود دوست کجاست»
(حافظ)

امید که در گلشن خاطر منتظران را از رشحات سحاب فیض حضور شکفته
سازد. (ت: ۱۴)

و همچنین است زمانی که تضمین در سلامت و روانی موضوع به حسن طلب نیز آمیخته می‌گردد که در واقع چندین هنر ادبی منشی خوبی را به تماشا می‌خواند. خدایگانا سال نو همایون باد همیشه روز نو چون روز عید میمون باد

بحمدالله امروز که مفاتیح اقبال اهل جهان و مقالید بستگی های کافه عالیمان در پنجه اقتدار و قبضه اختیار آن خداوند است ولی :

اخلاص من از مرحمت تو گله دارد این مشت گل آخر چه قدر حوصله دارد
هرچه هست از قامت ناساز بی‌اندام ماست ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست
(حافظ) « ت : ۱۲ »

عرض ثانی آنکه عالیجاه رفیع جایگاه فلان که در سنه ماضیه حاکم این بلوکات بود از این قرار از عارضین زیاد گرفته است.

« ترخم بر پلنگ تیز دندان ستمکاری بود بر گوسفندان »
(سعدی) « ت : ۱۱ »

و همچنین است زمانی آیه قرآنی را وارد شعر می‌کند تا بیش از بیش قدرت درج خود را بروز دهد.

« چه شود گر نشیند اهل ادب زیر دست کسی که بی ادب است
قل هو الله بین که در قرآن زیر تبت یدا ابی لهب است »
(ت : ۳۵)

منشی خوبی و واقعیت های زندگی

میرزا مهدی خوبی به تناسب سخن در هر مقامی مقالی خاص نوشته است تا طبع جوشان خود را در رگ رگ تلخ و شیرینی های زندگی مردم فوران

دهد و با استفاده از فرهنگ فولکلور مردمی احساسات درونی را آشکار سازد. «مخدوما رقعہ خط شریف را زیارت کردم بنده را به سیر و صفای گلگشت باغ و صحرا دعوت فرموده بودید جزای خیر بادت، لطف فرمودی، کرمی کردی و لیکن پیران آشفته را با جوانان آشفته الفت کردن بعینها صحبت سنگ و سبوست و حکایت بلبل و زاغ و دیوار و باغ است بلی سزاوار قدر شما آنست که با جوانی چون خود شوخ و شنگ و اجلاف و قشنگ، خوشخوی و حریف دلجوی و ظریف « به دیگران نگذارید باغ و صحرا را » با پیری پوسیده و شخصی افسرده ...» (ت: ۳۱)

از استماع این واقعه کدورت آمیز و اطلاع بر حادثه وحشت انگیز یعنی ماتم جان سوز و مصیبت دل افروز آن گرامی فرزند مسافر دیار بقا، نه بدان سان خاطر ارادت ذخایر آشفته، که شطری از آن در طی سطری چند گفته آید، مردمان را مردمک دیده همچون مردم دیده محنت دیده در آب غرق است و فرقدان را از گرد انگیزی فراق دیدگان خاک بر فرق
گرگ اجل یکایک از این گله می برد وین گله را نگر که چه آسوده می چرد»
(ت: ۱۶)

اثر پذیریه‌های میرزا نصیر از بزرگان ادب فارسی

در بررسی ترسل و میزان تأثیر پذیری منشی خوبی به خوبی روشن می شود که نویسنده از اشعار سعدی و حافظ بیش از همه در این نسخه خطی سود

جسته است. در لابلای مجموعه ترسل این نکته قابل تأمل است که احساسات هنری تراوش یافته از ضرباهنگ کلمات و ذوق فرو ریخته از لطافت ترکیبات، نتیجه استادی منشی خوبی است که در خارج ساختن معنی سطور و ریزش آنها در اوقات خوش خواننده باید به تضمین و سندیّت سخنی از شیواترین و دلنشین ترین کلام شاعری استوار و فخیم گره زند و آن کس جز حافظ و سعدی نیست.

ترحم برپلنگ تیز دندان ستمکاری بود بر گوسفندان

(ت: ۱۱) گلستان سعدی

هر چه هست از قامت ناساز بی اندام ماست ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست

(ت: ۱۲) حافظ

باده و مطرب و گل جمله مهیاست ولی عیش بی دوست مهیا نشود دوست کجاست

(ت: ۱۴) حافظ

گرگ اجل یکایک از این گله می برد وین گله را نگر چه آسوده می چرد

(ت: ۱۶) گلستان سعدی

در کنار این دو دریای موج و آرام ادب فارسی، منشآت بزم آرای قائم مقام فراهانی نیز جلوه های دلنواز خود را در ترسل میرزا مهدیخان خوبی آشکار ساخته است با توجه به همزمانی ایام زندگانی این دو ادیب و منشی دربار قاجار کاملاً مشهود است که میرزا مهدی و قائم مقام با همدیگر مرادده داشته مطلع بوده، و از قدرت هنری یکدیگر دست نوشته های یکدیگر را شاهد بوده اند. در جای جای ترسل منشی خوبی عزت و مرتبه قائم مقام به وضوح پیداست و اشعاری از قائم مقام به دست خط میرزا مهدی در این ترسل نگارش یافته است: «نه از آن صوب بریدی و اعلامی و نه از این سو سفیری و پیامی» (ت: ۳)

دوشم به وثاق آمد آن خسرو خوبان
جان های عزیزان همه در چاه زنخدان
خورشید فروزانش در پرده ظلمت
آویخته از سرو سهی دسته سنبل
می خورده و خوی کرده و خندان و غزلخوان
دل های پریشان همه در زلف پریشان
در آتش سوزانش سرچشمه حیوان
آمیخته با سبزه تر لاله نعمان
(ت: ۱۳)

همچنین است این شعر که در وصف منشی خوبی و به ایهام در مدح

تبریزیان گفته است :

آیا شکسته سر زلف ترک تبریزی
عبیر و عنبر بر مهر انور افشانی
گهی به سنبل آشفته برگ گل سپری
شعار تو همه دلبندی و دل آویزی
عقیق و شکر بر مشک اذفر آویزی
گهی به لاله نو رسته مشک تبریزی
(همان: ۱۴)

منشی خوبی و اشارات مربوط به آذربایجان

از ویژگی های مهم نسخه خطی ترسل که پرده از چهره تاریخ نگاری منشی خوبی به کنار می برد اعلام اسامی و ذکر پست های دولتی منتسب به دربار قاجاریه است که در مناطق آذربایجان صاحب قدرت و مکتب بوده اند و از طریق واسطه و یا اخلاص در بندگی و یا سفارش به عمال سلطنت با القاب و عناوین خاص به امور گمارده می شده اند و این مسأله در تاریخ پژوهشی این بخش از سرزمین ایران در کنار محبت ها و یا خصومت ها بدون تردید دارای ارزش تاریخی است.

« آن که چون منظور نظر آفتاب اثر ، این مکنون خاطر معدلت پرور هموار جبین است که حدود بروات وظایف و مستمیات اهل آذربایجان را به

عهده اشخاص امین و کاردان محول فرماییم که هنگام صدور آن بدون کسر و نقصان بروات ایشان را از دفتر خانه مبارکه صادر و به صاحبانش رساند تا ارباب وظایف از این رهگذر آسوده حال و فارغ بال از روی حصول امیدواری به دعای بقای دولت قاهره اشتغال نمایند لهذا عالیجاه رفیع جایگاه مجددت و نجدت همراه ، فخامت و مناعت اکتباه ، صداقت و ارادت آگاه مقرب الحضرت علیه حاجی میرزا شفیع مستوفی را که مراسم صداقت و دیانت‌اش کرات و مرات در پیشگاه حضور مهر ظهور جلوه بروز یافته و طرز دیانت و کفایت اش بارها به رأی انور ظاهر و هویدا گشته به مباحثی امور ارباب مستمر آذربایجان سرافراز و برقرار فرمودیم ... (ت: ۷)

« فروزنده اختر برج خدارت و درخشنده کوب فلک عصمت و طهارت ثمر شجر تاجداری و گل ریاض بختیاری را زمین عجز و خاکساری بوسیده و واقفان حضور عدالت گستر و به عاکفان مقیمان مرحمت پرور عرض حالی بنماید ، که اگر چه شیخوخیت و پیری این دعا گوی قدیمی را به مرتبه‌ای دامن گیر شده است که قوت حرکت غیر میسور و طی منازل قریبه و بعیده غیر مقدور است لیکن همیشه دست دعا جهت ازدیاد دولت ابد مدّت شاهنشاهی بلند و لب ثنا برای تزاید عمر و دولت و بختیاری بندگان جم جاهی در ذکر و از درگاه حضرت رب الارباب حاجتمند است و صبح و شام بلکه علی الدوام دعا گو و دعاگو زادگان دیده به مرحمت دوخته ایم و پیوسته چراغ امید را به الطاف بیکران افروخته ایم . فهرست عرض و استدعای کمترین بندگان رعایای قریه «تکمه داش» به خاکپای جواهر آسای مبارک سرکار : عرض اوّل، آنکه در عهد ولیعهد مغفور از دهات نزدیک و دور به جهت سیورسات سپاه منصور جنسی در

قریه مزبور جمع می نمودند حال هم مقرر شود که هنگام ضرورت کمک کنند. عرض ثانی آنکه عالیجاه رفیع جایگاه فلان که در سنه ماضیه ، حاکم این بلوکات بود از این قرار از عارضین زیاد گرفته است. (ت: ۱۰) و:

آنکه عالی شأن عزت نشان اخلاص و ارادت بنیان مسعود بیک ضابط محال ارونق انزاب بداند ... همچنین است ذکر اسامی « احمد بیک سراپی » (ت ۱۹) « محمود بیک قراجه داغی » (ت ۲۰) « علی قلی خان مراغه‌ای » (ت ۲۰) « میرزا ابوالقاسم شیخ الاسلام دارالسلطنه تبریز » (ت: ۲۴) « حاج میرزا علی اصغر شیخ الاسلام دارالسلطنه تبریز و تمام مملکت آذربایجان » (ت: ۲۹) که از نظر یاد واره شهرهای فوق الذکر می تواند مورد توجه قرار گیرد. منشی خوبی از وضعیت کاسبی و حدود صنفی زمان خود هم اطلاعاتی بدست می دهد همچنین از چگونگی عقد، صیغه، متعه ، روابط خانوادگی ، حفظ احترام ، گردش و افت و خیز با هم سن و سالان ، خرید مزارع و قباله، وقف ، قسم ، اجیر کردن کودکان ، نحوه نوشتن قبوض و حساب و نصاب سخن می گوید که بی شک دانستن آنها برای شناخت عمیق از تاریخ ادب و فرهنگ ایران زمین و آذربایجان ضروری است .

در نسخه خطی ترسل غیر از اصطلاحات ویژه منشیانه که چون گلستانی زیبا در بهاران شکفته است و تماشاگر را فتنه خود می نماید اصطلاحات ویژه ای را در نثر شیوای ترسل مشاهده می گردد که در عرف عام مصطلح بوده و در حرف بازاری و استعمال عمومی تا زمان های متمادی حالت کاربردی خود را حفظ کرده بودند. « اشرفی هیجده نخودی » (ت: ۱۹) « دینار تبریزی » (ت: ۲۱)

«تومان تبریزی (ت: ۲۲)» «توپ اطلس مشجر» (ت: ۲۳) «قوی ئیل» (ت: ۲۶)
«توشقائیل» (ت: ۲۹)

ترسّل و احکام شرعی

منشی خویی مردی دانشمند و آشنا به علوم عصر خود بوده، در ادبیات فارسی و عربی و احاطه به قرآن مجید و امثال عربی ید طولایی داشته است. توانمندی وی در فن شعر و شاعری که همپایه شاعران بزرگ دوره قاجاریه بوده است قدرت منشی گری وی را دوچندان ساخته است و سمند سخن و هنر بیانش را در میدان اندیشه جولان داده است. آشنایی نویسنده به احکام شرعی و مسائل اجتماعی در این حوزه از وی فقیهی عالم نشان می دهد که از باب تعلیم برای اطفال دبستان در نهایت سادگی مقال خاص خود را بیان می نماید. «همان به که ره تسلیم پوییم و همی گوئیم» «اسکنه الله الغفور فی دار السّرور» (ت: ۱۵) «و واهب مزبور دانسته و فهمیده کافه دعوی خیارات فسخ سیما خیارالغبین و الغبن فی الغبن و لوکان فاحشاً بل افحش اسقاط نموده و ضامن درک شرعی گردید» (ت: ۲۱) «علمای امامیه و فقهای اثنا عشریه چه می فرمایند در این مسئله شرعی که شخصی را کسی به عوض طلب یک توپ اطلس مشجر داده است» (ت: ۲۳) «به مضمون آیه وافی لا تکتموه شهادتکم بالله دو کلمه شهادت خود را مزین فرمایند و هر آینه از عصیان کتمان شهادت مجتنب و محترز بوده که باعث اجر عظیم و موجب ثواب جزیل خواهد شد». (ت: ۲۶)

اختصاصات ترسل

از ترسل منشی خوبی به وضوح پیداست که وی از تقریب خاصی در دربار شاهان قاجار برخوردار بوده و به راحتی و اطمینان خاطر نسبت به بیان حقایق و موانع حکومت پرداخته است و پیوسته منظور نظر بوده است. « فدایت شوم مقریان آستان را چندان مبسوط الید نباید داشت که عموم مردم را منشا بیم و امید آیند و مصدر و وعده و عید تا نفع و ضرر منوط به لطف و قهر پادشاه باشد ... » (ت: ۸) چیره دستی منشی خوبی در این ترسل که به نوشته خود از سحاب خامه گوهر ریز که رشحات آن شارح حالات و دوستی، یگانگی و وداد، آمانی و اشواق، وفا و وفاق ... است و گلستانی در انواع شکوفه های گل ادب و سخن شکوفا ساخته است و اقسام جواهر شکرین الوان به ارمغان دارد به شیوه خاص خود و سبک نثری مرسل میراث ماندگاری است که در حوزه دیوانی و ادب فارسی و ادوار آن مورد توجه قرار خواهد گرفت. بخصوص این که در سبک نگارشی این کتاب ویژگیهای زیر از اختصاصات این ترسل است.

- ۱- همه کلماتی که حرف (گ) دارند بصورت (ک) نوشته شده است.
- ۲- همزه (ء) در آخر کلمات نشان دهنده نشانه (ای) می باشد.
- ۳- (ه) - (ه) عربی گاهی در معنی حرف (ت) فارسی است.
- ۴- گاهی برخی از اختصاصات سبک خراسانی (ابر - بر) (سیتانی - ستانی) در کتاب نمود دارد.
- ۵- برای آرایش شکل کتابت کلمات از نقطه های اضافی استفاده شده است
مباشری، کشر (مباشر - کسر)
- ۶- برخی از کلمات مطابق لحن تلفظ نوشته شده اند پیرامن - پیرامون / ابراهم -

ابراهیم

نتیجه گیری :

ترسّل اثر ارزشمند ، گمنام و نمونه بارزی از شیوه نگارش رسایل دیوانی و اخوانی در عصر قاجار است . این نسخه خطی علاوه بر اهمیت ادبی بسیاری که دارد حاوی اطلاعات مفید و متنوع زیادی در مورد سیمای اجتماعی ، تاریخی، والیان ، رجال سیاسی ، علما ، شیوه آموزش و ارتباطات تعلیم و تربیت است و اطلاعات ذی قیمتی را در مورد فرامین ، عرایض ، احکام ، مراسلات ، عقد نامه، وکالت نامه ، استشهادنامه ، صورت حساب دیوانی ، نوشتن اسامی ، دستور زبان آذربایجانی ، هندسه و کواکب ... در اختیار محققین و اهل ادب قرار می دهد.

فهرست منابع

- ۱- آقاسی ، ۱۳۵۰، مهدی ، تاریخ خوی ، انتشارات دانشگاه تبریز .
- ۲- تربیت ، محمدعلی ، ۱۳۷۳، دانشمندان آذربایجان ، انتشارات فخر آذر ، تبریز.
- ۳- تهرانی ، آقا بزرگ (بی تا) ، الذریعه الی تصانیف شیعه ، نجف ، تهران جلد ۱۱ و ۲۳.
- ۴- خطیبی ، حسین ، ۱۳۶۶، فنّ نثر در ادب فارسی ، انتشارات زوآر ، تهران.
- ۵- دولت آبادی ، عزیز ، ۱۳۷۷، سخنوران آذربایجان ، انتشارات ستوده ، تبریز.
- ۶- ریاحی ، محمد امین ، ۱۳۷۲، تاریخ خوی ، انتشارات توس ، تهران .
- ۷- صدرایی خویی ، علی ، ۱۳۷۶، فهرست نسخه های خطی مدرسه نمازی خوی ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، تهران .
- ۸- عروضی سمرقندی ، ۱۳۷۶، چهار مقاله به کوشش دکتر قره بگلو ، دکتر انزابی نژاد ، انتشارات جام ، تهران .
- ۹- هدایت ، رضا قلی خان ، ۱۳۸۲ ، مجمع الفصحا ، به کوشش مظاهر مصفا ، انتشارات امیرکبیر ، تهران .